

بسمه تعالی

اسباب و موانع هدایت در قرآن و سنت

مرضیه فهیدی^۱

چکیده

با مراجعه به قرآن کریم در اولین سوره آن، نخستین خواسته‌ای که از طرف بنده مطرح می‌گردد، تقاضای هدایت در صراط مستقیم الهی است. لذا در این مقاله به علل و اسباب هدایت انسان در قرآن پرداخته می‌شود. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که شناخت روش هدایت در کلام الهی می‌تواند کمکی راهبردی در مسیر تکامل انسان به مراتب عالیه باشد. این نوشتار، بر آن است که با تدبر در آیات قرآن به شیوه‌ای نوین به مبحث هدایت انسان در صراط مستقیم الهی بپردازد که ضرورت فلاح و رستگاری هر انسان، جداسدن از راه مغضوبین درگاه الهی و گمراهان است. هدف این پژوهش به صورت اختصاصی بررسی بخش‌هایی از هدایت تشریعی و تکوینی ویژه یا پاداشی انسان در قرآن کریم است که می‌تواند منجر به تجلی صفات معبود لایزال در عبد گردد.

کلیدواژه: اسباب، سنت، موانع، هدایت

۱. سال پنجم سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه زهرا (س)، ۷۳۳ Marzyeh Saberi

مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم که هدف از بعثت پیامبران را بیان می‌کند و آثار تربیتی و عقیدتی بسیاری بر آن مترتب است، بحث هدایت انسان است، هدف از ارسال پیامبران و تشریع قوانین الهی هدایت انسان‌ها است. در راهی که نهایت آن رستگاری و آسایش ابدی است و باید دید که قرآن کریم به عنوان منبع اصلی تعلیم اسلامی که کتاب هدایت نامیده شده و آخرین نسخه دستورات آسمانی برای انسان است چه راهی را برای رسیدن به آن هدف متعالی پیشنهاد می‌کند؟ علل و موانع هدایت در قرآن و سنت چیست؟ آیا هدایت تشریعی است یا تکوینی؟ و آیا همگانی است و هادیان همگان را راهنمایی کرده‌اند یا راهنمایی آن‌ها برای برخی از مردم است؟ در این مقاله با استفاده از آیات و روایات به اختصار به بررسی مسائلی که عنوان شد می‌پردازیم.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی اسباب

سبب در لغت به معنای ریسمان آمده است؛ چنان که به مناسبت، بر هر وسیله‌ای (هر چیزی که بدان به چیزی دیگر دست می‌یابند) نیز اطلاق شده است.^۱ اما سبب در اصطلاح عبارت است از وصف وجودی نمایان و منضبطی که معرف و نشانه حکم شرعی قرار داده شده است؛ به گونه‌ای که از وجود آن، وجود حکم و از عدمش عدم حکم لازم می‌آید، مانند روزهای ماه رمضان که سبب وجوب روزه، و یا خویشاوندی که سبب ارث بردن است.^۲

۱-۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی سنت

لغت دانان، معانی گوناگونی برای سنت بر شمرده‌اند، که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. دوام و استمرار: طبق این معنا، سنت یعنی ادامه دادن. این معنا از گفتار اعراب گرفته شده است که می‌گویند: سنت الماء اذا والیت فی صبه، عرب به ریزش پیاپی آب سنت می‌گوید.
۲. راه و روش پسندیده: طبق این معنا، هر جا واژه سنت مطلق و یا با قید حسنه به کار رود، به معنای شیوه و روش نیکو است و برای این که شیوه نادرست و ناپسند را افاده کند، باید مقید به قید سیئه شود.^۳
۳. راه و روش^۴ بنابر این معنا، به روشی که مردم از آن پیروی کنند و برای آنان به صورت عادت در آمده باشد (چه نیکو و چه ناپسند) سنت گفته می‌شود. در قرآن و روایات این دو معنا آمده است و به رویه خوب و حسنه، سنت گفته می‌شود، مانند: «و یهدیکم سنن الذین من قبلکم ؛ و به سنت‌های (صحیح) پیشینیان رهبری کند.» و هم به طریقه و روش سیئه و اشتباه اطلاق شده است.

اما در اصطلاح سنت در اصطلاح به معانی مختلفی آمده است که عبارتند از:

۱. سنت در نزد محدثین قرون نخستین اهل سنت ، به مفهوم آثار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ، صحابه و تابعین بود که به آنان اصحاب اثر می‌گفتند و از زمان شافعی تا کنون سنت به قول و فعل و تقریر پیامبر اطلاق می‌شود. اما در بین شیعه به قول و فعل و تقریر معصوم (علیه‌السلام) اطلاق می‌شود.^۵
۲. در فقه به معنای استحباب به کار می‌رود یعنی الزام و طلب غیر اکید مولا^۶.

۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲. فرهنگ‌نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۴۸۴، برگرفته از مقاله «سبب»

۳. الجرجانی، کتاب التعریفات، ج ۱، ص ۱۲۲.

۴. قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۴۲.

۵. مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۳.

۶. زهیر المالکی، اصول الفقه، ج ۱، ص ۵۰.

۳. معنای دیگر سنت در مقابل بدعت است و منظور از این سنت عملی است که مطابق عمل صاحب شریعت باشد.

۴. گاه سنت در کتب اصحاب حدیث به معنای عمل صحابه هم آمده است.

۵. سنت به معنای حقایق همه جایی و همیشگی یا حکمت جاودان هم آمده است که این معنا البته هیچ ربطی به اهل سنت بلکه اسلام ندارد.^۱

۳-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی هدایت

هدایت از ریشه هداً و در لغت به معنای سکون، آرامش، بدون سر و صدا و حرکت، سکونت گزیدن می‌باشد.^۲ و نیز به معنای توقف از حرکت، سکونت و خواب در شب، ساکت نمودن بچه و خواباندن آن آمده است.^۳ هدایت در اصطلاح عبارتست از نشان دادن هدف و راهنمایی افراد.^۴ در برخی موارد مقصود از هدایت پایداری و استوار ماندن در مسیر و راه است.^۵ بنابراین هدایت، شناختن درست و صحیح هدف، انتخاب راه و طریق صحیح برای رسیدن به هدف و پایداری در مسیر است و هدایت در عام ترین معنای خود شامل همه مخلوقات خداوند می‌گردد.^۶

امام خمینی با بیان این مطلب که هدایت امری وجودی و همان رسیدن هر موجود به کمال معنوی خود است، بر این باور است که سعادت و کمال در انسان‌ها ذاتی نیست، بلکه کمال انسان به سبب اختیار، اکتسابی هستند و حق تعالی با فرستادن پیامبران که دعوت به حق و معارف الهی می‌کنند و فطرت درونی انسان که بر اساس عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص‌ها سرشته شده، انسان‌ها را به سوی کمال خود هدایت می‌کند.^۷ در حقیقت، وجود هر موجودی به مدد رحمت رحمانی، تحقق وجودی می‌باشد و به وسیله رحمت رحمانی، به کمال لایق خود می‌رسد.^۸

امام خمینی حقیقت هدایت را همان نور حق می‌داند که گاهی از آن به «نور طریق سلوک انسانی» تعبیر می‌کند. این نور هدایت در عالم آخرت به صورت شفاعت ظهور می‌کند، پس هر مقدار هدایت در این عالم

۱. فرمانیان، فرق تسنن، ص ۱۸.

۲. فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۷۹.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۸۰.

۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۵۶.

۵. مرتضوی، دانشنامه امام خمینی،

۶. طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۲۹.

۷. خمینی، روح الله، الطلب و الاراده، ص ۷۵.

۸. همان، آداب الصلاة، ص ۶۶.

محقق شود در آن عالم شفاعت محقق می‌شود.^۱

۲- ارزش هدایت

انسان موجودی شگفت انگیز است. ترکیب انسان از پست‌ترین عنصر مادی و خلقی هستی یعنی گل و برترین عنصر امری هستی یعنی روح، موجب شده است تا شرایط خاص برای انسان در هستی و آفرینش پدید آید و قابلیت متاله و خدایی شدن را بیابد و در مقام مظهریت ربوبیت، خلافت الهی را بر همه آفریده-های الهی به دست آورد و همه آن‌ها را تحت سلطه و تسخیر خود بیاورد.

اما راه رسیدن به این مظهریت و متاله و ربانی شدن، بسیار سخت و دشوار است؛ زیرا دو دسته موانع درونی و بیرونی اجازه نمی‌دهد تا انسان مرید و مختار بتواند به سادگی راه شدن‌های کمالی را بپیماید و خدایی شود.

مهم‌ترین دشمن انسان در درون خودش نهفته است. انسان تحت تاثیر غرایز طبیعی و فطری و حضور در جهان ماده، توجه خاصی به پاسخ‌گویی به این غرایز پیدا می‌کند به گونه‌ای که این ابزار رشدی تبدیل به دشمن شماره یک انسان می‌شود، به گونه‌ای که پیامبر گرامی در هشدار به مومنان می‌فرماید: اَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ^۲ خطرناک‌ترین دشمنان تو همان نفس خودت است که در میان دو پهلویت قرار گرفته است.

این دشمن‌ترین دشمنان انسان، اگر افسار نفس آدمی را به دست گیرد، چنان به هستی آدمی چیره می‌شود که خود را در مقام معبود و الهه قرار می‌دهد و انسان را کور و بنده خود می‌سازد. خداوند در این باره می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»^۳ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده است.

در این صورت انسان به جای این که معبود و مقصد خود را خدا و خدایی شدن قرار دهد، هواهای نفسانی را خدایی خود قرار می‌دهد و این گونه گرفتار ضلالت و گمراهی و سقوط و دوری از خداوند می‌شود و در دوزخ فراق فرو می‌افتد.

دشمن دیگرانسان، ابلیس و شیاطین تحت فرماندهی او از انسان و جنیان است؛ زیرا ابلیس که خود مدعی خلافت الهی و مظهریت در ربوبیت بود، حاضر به پذیرش خلافت انسان نشد و ضمن فریب و وسوسه‌گری

۱. خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۵۰.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۲۲۸.

۳. سوره جاثیه: آیه ۲۳۹

است، بهترین دلایل نقلی، آیاتی از قرآن است که «هدایت» را به خدا نسبت داده‌اند؛ مانند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۱ ما به انسان راه را نشان دادیم. او یا (آن را بر می‌گزیند که) قدر دان خواهد بود و یا (از آن روی می‌گرداند که در آن صورت نسبت به نعمت الهی) کفران کننده خواهد بود. «منظور از هدایت انسان به وسیله‌ی خداوند چیست؟ راهنمایی انسان توسط خدا چگونه صورت می‌پذیرد؟ در هدایت تشریعی، انسان مخاطب رسول ظاهری قرار می‌گیرد و از طریق شنیدن سخنان او، به حکم الهی آگاه می‌شود. این نوع هدایت همان راهی است که به وسیله‌ی پیامبران و امامان از طرف خدا پیش روی انسان‌ها گشوده می‌شود تا اگر خواهان سعادت بودند، به آن روی آورند و اگر نخواستند، از آن روی گردانند.

الف - هدایت تکوینی و هدایت تشریعی

به نظر می‌آید خداوند از دو راه و به دو صورت، انسان را هدایت می‌کند: یکی از طریق اعطای عقل به انسان است که به سبب آن یکسری از خوبی‌ها و بدی‌ها برای او روشن می‌شود؛ مانند حسن عدل و قبح ظلم. و دیگر از طریق بیان پیامبران و امامان که رسولان الهی به سوی مردم هستند. احکام شرعی که به وسیله‌ی ایشان به انسان‌ها ابلاغ می‌شود، از این نوع هدایت خداست که شامل احکامی همچون نماز، روزه، حج و... می‌گردد. پس عقل و شرع دو صورت هدایت الهی هستند که اولی رسول باطنی و دومی رسول ظاهری پروردگار به سوی انسان‌ها می‌باشند.

معمولاً تفاوتی که بین این دو نوع هدایت گذاشته می‌شود، این است که اولی جنبه‌ی تکوینی دارد و دومی جنبه‌ی تشریعی. منظور این است که اولی را خداوند در وجود انسان خلق می‌کند به طوری که در سنّ بلوغ عقلی، این هدایت بدون اینکه انسان بخواهد و بفهمد، در او به وجود می‌آید و به همین جهت هدایت تکوینی نامیده می‌شود.

اما در هدایت تشریعی، انسان مخاطب رسول ظاهری قرار می‌گیرد و از طریق شنیدن سخنان او، به حکم الهی آگاه می‌شود. این نوع هدایت همان راهی است که به وسیله‌ی پیامبران و امامان از طرف خدا پیش روی انسان‌ها گشوده می‌شود تا اگر خواهان سعادت بودند، به آن روی آورند و اگر نخواستند، از آن روی گردانند. پس اینکه خدا در قرآن فرمود: «ما راه (سعادت) را به انسان نشان دادیم» شامل مجموع هدایت تکوینی (به وسیله‌ی عقل) و هدایت تشریعی (از طریق شرع) می‌شود.

تعبیر دیگری هم در مورد هدایت الهی در قرآن آمده است:

«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»^۲ هر دو راه را به انسان نشان دادیم». منظور از دو راه مطابق تفسیر امام صادق (علیه-

۱. سوره انسان: آیه ۳.

۲. سوره بلد: آیه ۱۰.

السلام) راه خیر و راه شرّ است؛ چنانکه در توضیح آیه فرمودند: «تَجِدَ الْخَيْرَ وَالْشَّرَّ»^۱ راهنمایی انسان به راه‌های خیر و شر (نجدین) هم به صورت تکوینی صورت می‌پذیرد و هم از طریق تشریع.^۲

ب- صُنْع خدا در هدایت تکوینی

اکنون باید دید که در این دو نوع هدایت، صنع خداوند چه نقشی دارد و آیا چیزی از آن، فعل اختیاری انسان هست یا خیر؟

در مورد آنچه اصطلاحاً هدایت تکوینی خوانده می‌شود، مسأله کاملاً روشن است. آنچه خداوند از طریق اعطای عقل به انسان می‌فهماند، به طور کلی صنع خدا بوده، عاقل نقشی در عاقل شدن ندارد؛ همان‌طور که نمی‌تواند تصمیم بگیرد که عاقل نباشد. این هدایت بدون انتخاب و خواست انسان از طرف خدا در او قرار داده می‌شود و آن که از این نعمت الهی محروم است (مانند کودک نابالغ)، تا وقتی خدا نخواسته (خواست تکوینی)، از آن بهره‌مند نمی‌گردد.^۲

ج- نقش خدا و انسان در هدایت تشریعی

هدایت تشریعی با ارسال پیامبران و امامان از طرف خداوند آغاز می‌شود که در این مرحله اختیار انسان هیچ نقشی ندارد. این خداست که رسولان خود را به سوی هر کس که بخواهد، می‌فرستد و انسان‌ها تا وقتی مواجهه با این رسولان پیدا نکرده‌اند یا به نحوی پیام ایشان را نشنیده‌اند، هنوز نوبت انتخابشان نرسیده است.

با این ترتیب کسانی که در معرض دعوت انبیا و اولیای الهی قرار می‌گیرند و سخن ایشان را می‌شنوند، نسبت به آن تکلیف پیدا می‌کنند؛ ولی اگر در معرض شنیدن پیام رسولان الهی نبودند، ممکن است با هدایت عقل (که به صورت تکوینی در آن‌ها قرار داده شده است) لزوم تحقیق و فحص از پیام الهی را دریابند که در این صورت به آن مکلف می‌شوند. ولی اگر همین را دریافتند، به شرطی که این نفهمیدن، معلول تقصیر آن‌ها نباشد، هیچ وظیفه‌ای ندارند و اصطلاحاً «مستضعف» نامیده می‌شوند؛ مانند کودکان غیر ممیز که لزوم فحص و تحقیق از پیام انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) را تشخیص نمی‌دهند و در این امر تقصیری هم ندارند. اما غیر مسلمانانی که در عصر ما عقلاً احتمال جدّی می‌دهند که در تعالیم اسلام، حقیقتی یافت شود، اما به این احتمال ترتیب اثر نمی‌دهند و لذا تحقیق هم نمی‌کنند، این‌ها به دلیل کوتاهی خودشان از فهم حقانیت اسلام محروم شده‌اند و بنابراین مستضعف نمی‌باشند.

پس دریافتن هدایت تشریعی (مثلاً احکام اسلام) ممکن است مترتب بر تحقیق و جستجوی انسان عاقلی

۱. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۲۸۷.

۲. بنی‌هاشمی، محمد، مقاله معرفت و بندگی سلسله درس‌های مهدویت (حلقه اول)، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ دوم.

باشد که احتمال حقانیت آن را به طور جدی داده است. در این صورت این حکم عقل، هدایت تکوینی خدا و صنع اوست و تحقیق و بررسی، کار انسان است و اگر هر دو کار انجام شود، هدایت تشریعی برای چنان شخصی مطرح می‌گردد.^۱

نتیجه گیری

هدایت در قرآن کریم یکی از واژه‌های کلیدی و اصلی قرآن کریم می‌باشد. اساساً و به طور کلی می‌توانیم نتیجه کنیم که آنچنان هدایت در قرآن کریم نقش سازنده ای دارد که در این صورت شیطان از فریب چنین شخصی زبون و تهی می‌گردد. زیرا قرآن تبیان کل شیء خود را معرفی نموده است چنانچه در این باره می‌فرماید: وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ؛ و ما قرآن را که بیان کننده هر چیزی است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است بر تو نازل کرده‌ایم. اساساً قرآن کریم را به عنوان یک کتاب قصه و داستانی که سر منشأ آن عبرت و پند آموختن است نمی‌توان یاد کرد بلکه تمام قصص و حکایات قرآن نیز جنبه‌ی هدایت انسانی دارد. چنانکه خدای تعالی می‌فرماید: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا؛ محققاً ما هدایت کردیم انسان را براه حق و صراط مستقیم یا آنکه شاکر می‌شود یا کفران می‌کند. پس بنابراین کسانی که به گمراهی کشیده شده‌اند و یا عاقبت به خیر در زندگی دنیائی خویش نگشته‌اند، کسانی هستند که به هدایت زیبای قرآن نرسیده باشند و این گونه انسان‌ها کم نیز نیستند. زیرا قرآن کریم شفاء هردردی است چنانکه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ؛ و اگر آن را قرآنی غیر عربی قرار داده بودیم قطعاً می‌گفتند: چرا آیاتش در نهایت روشنی بیان نشده است، آیا [قرآنی] غیر عربی [و نامفهوم] برای [مردمی] عرب زبان [و فصیح؟!]. بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند، سراسر هدایت و درمان است، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوششان سنگینی است، و آن [با همه روشنی و آشکاری‌اش] بر آنان پوشیده و نامفهوم است اینانند که [گویی] از جایی دور ندایشان می‌دهند

۱. بنی‌هاشمی، محمد، مقاله معرفت و بندگی سلسله درس‌های مهدویت (حلقه اول)، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ دوم..

منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

منابع عربی

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، چاپ سوم، بیروت: انتشارات دارصادر، ۱۴۱۴ هـ
- ۲- الجرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، ج ۱، چاپ اول، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳ م.
- ۳- خمینی، روح الله، الطلب و الاراده، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۴- _____، آداب الصلاه، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- ۵- زهیر المالکی، محمد ابو النور، اصول الفقه، ج ۱، مصر: انتشارات مکتبه الازهریه للتراث، ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۶- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰ ق.
- ۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۴، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، بی تا.
- ۸- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، چاپ ششم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- ۹- قمی مشهدی، محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، قم: انتشارات دارالغدیر، ۱۴۲۳ ق.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۱، چاپ دوم، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.

منابع فارسی

- ۱۱- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، چاپ بیست و چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- ۱۲- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۳- فرمانیان، مهدی، فرق تسنن، چاپ اول، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۴- مرتضوی، ضیاء، دانشنامه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰ شمسی.
- ۱۵- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹.
- ۱۶- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۲، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۴۱۵ هـ ق.

مقاله، بیانات، مجله

۱۷- فرهنگ‌نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۴۸۴، برگرفته از مقاله

«سبب»

۱۸- بیانات در محفل انس با قرآن کریم (۱۴۰۰/۰۱/۲۵)

۱۹- مجله حوزه، شماره ۹۶، ص ۲۲۳.

۲۰- بنی‌هاشمی، محمد، مقاله معرفت و بندگی سلسله درس‌های مهدویت (حلقه اول)، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ دوم.

۲۱- پیام آیت الله خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری به کنفرانس اندیشه اسلامی، بهمن ۱۳۶۴، به نقل از قرآن در آینه اندیشه‌ها)

۲۲- منصوری، خلیل مقاله زمینه‌ها و موانع هدایت، ۲۰ آبان ۱۳۹۲، نشر آثار و مقالات قرآنی آیت الله خلیل منصوری.